

گروه بهداشت و سلامت - گذشته به این دلیل که معتقد بودند کودک زندگی روانی ندارد، از زندگی روانی او غفلت می‌شد و به دلیل همین نظریه که کوچه پنهان، مبتنی بر نظریه «عقل سالم در بدن سالم» بدون در نظر گرفتن احتمال بیماری روانی، توجه به تربیت فرزندان، بیشتر به مراقبت از سلامت و غذای آن‌ها معطوف می‌شد.

اما توجه به احتمال بروز این مشکل در سال‌های اخیر بر اثر نظریه‌ها و مطالعات تحلیلی و کاربردی که توسط «فروید» و طرفداران معاصر او مانند «آدلر» و «یونگ» مطرح شده، رو به افزایش بوده است. از آنجایی که رسیدن به ارزیابی صحیح از زندگی روانی مستلزم شناخت کامل رفتار فرد و مظاهر زندگی فکری و عاطفی اوست، «زیگموند فروید» اهتمام خود را به تشخیص و برآورد عوامل مؤثر بر نیهاد روانی و واکنش‌های همراه آن مانند رشد شناختی و عاطفی او (هوش، تخیل، حافظه، احساسات...) محدود کرد.

یک تناقضی قابل توجه در این روند این بود که توجه به روان کودک در ابتدا به خاطر خود کودک نبود، بلکه برای بزرگسالان به این منظور بود تا علل انحرافات روانی و رفتاری آن‌ها را آشکار کنند و بداندن تاچه حد آن‌ها تحت تأثیر زندگی روانی خود در دوران کودکی هستند. این ادراک تا حد زیادی در جهت دهی توجه به دوران کودکی و زندگی روانی کودک و اهمیت این زندگی در جهت دهی شخصیت به سمت بلوغ و یکپارچگی و یا به سمت بی‌توجهی و لغزش آن کمک کرد.

فروید معتقد است که تحقیق در مورد اختلالات روانی در بزرگسالان بدون رجوع به دوران کودکی آن‌ها یک تحقیق ناقص است، زیرا از دوران کودکی فرآیند نقش آفرینی رفتاری آغاز می‌شود و از آنجا عمل فکری در زندگی کودک آغاز می‌شود.

فروید می‌گوید: کودکی پایه‌ای است که شخصیت آینده فرد بر آن استوار است و هر گونه انحراف یا بی‌نظمی شناختی را در زمینه‌های رشد ایجاد می‌کند که منجر به زمین خوردن و سرخوردگی می‌شود.

رشد روانی کودک - کودکی از نظر بیولوژیکی برای فرآیندهای عاطفی و تعامل با متغیرهای درون و اطراف خود به طور طبیعی آماده به دنیا می‌آید، اما این

آمادگی طبیعی به طور مرتب نقش‌های متوالی را طی می‌کند و اولین نقش‌های تعاملی با محیط، واکنش‌های انعکاسی مانند (گریه، عصبانیت... رد یا قبول...) و غیره) است که کودک با آن شناخته می‌شوند. پس از این نقش، فرآیند نقش آفرینی رفتاری آغاز می‌شود که نتایج آن تحت تأثیر عوامل روانی و شرایط محیطی پیرامون کودک تعیین می‌شود.

و این نقش در مرحله رشد که در آن رفتار شکل می‌گیرد، مهم‌ترین نقش است و که آینده‌ای است که واقعیت روانی کودک را به وضوح منعکس می‌کند. در واقع زندگی بر اساس آنچه از تجربیات و احساسات به دست می‌آورد رشد می‌کند که ریشه در خودش دارد یا به طور مثبت از رشد او حمایت می‌کند یا کاملاً بر عکس. به طور کلی، هر نقصی که در این مرحله ایجاد شود، جبران آن در مراحل بعدی زندگی کودک دشوار است. آنچه در دایره کودکی قرار می‌گیرد، پایدارترین آن در نهاد روانی و شخصی است. یکی از مهمترین ویژگی‌های این مرحله این است که کودک طی آن شروع به درک، مشاهده و تعامل با عوامل اطراف و شرایطی که در زندگی روزمره با آن‌ها مواجه می‌شود را تجربه می‌کند. این نشانه‌ها ما را به حقیقتی اثبات شده از نظر علمی نزدیک می‌کند که به لحاظ نظری کودکی دوره‌ای اساسی است که فرد دانش و ویژگی‌های رفتاری خود را از آن می‌گیرد و در محدوده آن کسب تجربه می‌کند. در این دوره تجربیات و احساساتش تحریک و دانشش گسترش می‌یابد.

این رویکرد منجر به آشکار شدن عوامل ایجاد شرایط رفتاری و آسیب‌شناختی در کودکان شده و همچنین باعث شناخت و درک عوامل رفتاری کودکان به ویژه در سال‌های ابتدایی مدرسه و تأثیر آن بر شخصیت او شده است.

در آخرین مرحله رشد - در اینجا کودک بر شخصیت سرکشی و میل به استقلال غلبه می‌کند و از این مرحله به دنیای اطراف خود روی می‌آورد، گویی از این طریق از خود فردی فراتر می‌رود و به موجودی اجتماعی تبدیل می‌شود که با آن سفر جدیدی را برای رشد آغاز می‌کند. این دگرگونی مشخصه رابطه او با همسالانش، زندگی مشترک با دیگران، مشارکت او در فعالیت‌های چندگانه و ... است.

از جمله مظاهر این مرحله می‌توان

دوران کودکی یک توانایی اکتسابی است؛

بررسی علل بروز اختلالات رفتاری در کودکان

همه کودکان احساس عصبانیت را تجربه کرده و بعضی از موارد پر خاشاگر یا نافرمان می‌شوند. این رفتارها با وجود چالش برانگیز بودن، بخشی از رشد طبیعی کودک هستند.

به تلاش‌های کودک برای تحمیل خود به محیط اطرافش اشاره کرد که این احساس را در او تقویت می‌کند که محدودیتی ندارد و باعث می‌شود به خود، به عنوان موجودی مستقل نگاه کند که حق ورزش دارد، اراده خود را دارد و همچنین حق انتخاب و حق رد و قبول دارد. روانشناسان اتفاق نظر دارند که آخرین مرحله رشد همه نشانه‌های بلوغ و رشد اخلاقی و اجتماعی فرد را نشان می‌دهد.

اختلالات روانی - تحقیق در مورد اختلالات روانی در کودکان تا حدودی پیچیده است، زیرا عوامل مؤثر بر نهاد روانی بسیار

می‌کند، به گونه‌ای که او می‌گوید: تلاش ما برای درک روان کودکان با موانع بیشتری نسبت به درک ما از این موضوع برای بزرگسالان مواجه است، زیرا کودک نمی‌تواند به اندازه کافی وضعیت روانی خود را بیان کند اما نحوه رفتار او چیزی است که واقعیت آنچه را که در خودش در نوسان است به ما منتقل می‌کند و وابستگی ما به رفتار او مهم‌ترین راه برای تشخیص وضعیت روانی او باقی می‌ماند.

فرآیند عوامل ایجاد اختلال روانی را در یک گروه اصلی خلاصه کرد که عبارتند از علل ژنتیکی، علل ارگانیک و عصبی، تجربیات زندگی و تأثیرات

پتانسیل‌های شخصی کودک (فکر، تخیل، خلق و خو و غیره) رشد می‌کند. روانشناسان و جامعه شناسان ویژگی‌های بلوغ را نشان دهنده تجربیات و قابلیت‌های رفتاری کودکان دانسته اند و آدلر نیز به نوبه خود به بررسی رشد روانی، شناختی، اجتماعی، اخلاقی و حرکتی در سنین پیش دبستانی توجه نشان داد؛ چراکه این جنبه‌های رشد، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی را مشخص می‌کند که در صورت مهیا بودن شرایط رشد، می‌تواند شکوفایند.

رفتار کودک نمونه تجربیات مختلف اوست و بسیار مهم است

نباید در مورد تأثیر حادثه‌ای بر زندگی کودک اغراق کنیم، زیرا این امر بر او تأثیر می‌گذارد و خاطره حادثه را در خود و ذهنش تثبیت می‌کند تا آثار آن همراه او باشد؛ کودکان یک سیستم عصبی منعطف دارند که از محدودیت‌های گسترده‌ای در طرد و پذیرش برخوردار است و باید به کودک کمک کنیم تا بر هر خاطره بدی غلبه کند، نه اینکه هر بار آن را به او یادآوری کنیم تا همیشه آن را جلوی چشم خود ببیند.

زیاد است و هر یک از عوامل تأثیری آسیب‌شناختی دارد که به دلیل آن زندگی روانی کودک مختل می‌شود که در بسیاری از موارد تشخیص علت این اختلال بسیار سخت است و نمی‌توان آن را به طور دقیق مشخص کرد که ممکن است علت آن هیجانات عاطفی، (مانند احساس محرومیت، تنهایی، بیگانگی...) یا اختلال در خلق و خوی (افسردگی، اضطراب، بدبینی، بی‌حوصلگی...) و میل به استقلال غلبه می‌کند و از این مرحله به دنیای اطراف خود روی می‌آورد، گویی از این طریق از خود فردی فراتر می‌رود و به موجودی اجتماعی تبدیل می‌شود که با آن سفر جدیدی را برای رشد آغاز می‌کند. این دگرگونی مشخصه رابطه او با همسالانش، زندگی مشترک با دیگران، مشارکت او در فعالیت‌های چندگانه و ... است.

از جمله مظاهر این مرحله می‌توان

خانوادگی و تربیتی و از آن‌ها به عنوان محرک‌های اساسی در رشد طبیعی کودک یاد کرده است.

دوران کودکی یک توانایی اکتسابی است

دوران کودکی با بی‌واسطه بودن و خواندگی‌کنگس رفتار مشخص می‌شود و رفتار کودک منبع اصلی شناخت ماهیت درونی اوست. تلاش دانشمندان عرصه روانشناسی، تربیتی، اجتماعی و بهداشتی برای مطالعه کودکان و نگاه به مراحل مختلف رشد در برهه اخیر افزایش یافته تا نشان دهند عواطف کودک با شکل‌گیری شخصیت و تعیین ویژگی‌های او چه ارتباطی دارد.

روانکاوان معتقدند که اولین سال‌های زندگی کودک پایه‌ای برای ساختن زندگی روانی و اجتماعی اوست و در این دوره توانایی‌ها و

که به ویژه در سنین پیش دبستانی از فرزندان خود مراقبت کامل داشته باشیم، زیرا کودکان در این مرحله از زندگی تخیلات خود را به سرعت رشد می‌دهند و برخی عواطف بزرگسالان که در خانواده خود احساس می‌کنند (مانند خشم، شرم، عصبان، اضطراب، اندوه یا شادی و غیره) را در این دوره در خود رشد می‌دهند.

این دستاوردها تأثیراتی را ایجاد می‌کند که عمیقاً در خود ذاتی آن‌ها ریشه دارد و در ذهن آن‌ها ثابت می‌ماند که بیشتر آن‌ها فشارهای روانی و عصبی را تشکیل می‌دهند که باعث می‌شود کودکان ثبات و تعادل خود را از دست بدهند، به گونه‌ای که خواهیم دید کودک کنترل خود را از دست داد و رفتارهای غیرقابل قبولی انجام می‌دهد.

نقش خانواده - کودک ذاتاً کنجکاو و تیزبین است

و همیشه آماده پذیرش است و به ندرت قادر به کنترل احساسات خود است، به خصوص اگر در فضای ناپایدار خانوادگی زندگی کند. این فقط یک تئوری نیست، بلکه موضوعی حساس و مربوط به فرزندان ماست؛ بنابراین بسیار مهم است که والدین به خاطر داشته باشند که صحنه‌های تکراری جلوی کودک او را تشویق می‌کند تا آن‌ها را به عنوان الگو در زندگی خود قرار دهد و اینکه تمام دیدگاه‌ها و احساسات کودک در حافظه او ریشه می‌گیرد و واکنش تند او را نشان می‌دهد، به خصوص اگر صحنه‌ها با انواع منفی گرای (اختلالات ناشویی، عدم اعتماد بین والدین و...) همراه باشد.

در این صورت بروز شکافی در نهاد روانی کودک امری طبیعی است و این امر قطعاً آثاری را در عملکرد و شخصیت او به جای می‌گذارد. چه در رفتار کودک و چه در توانایی‌های او.

روانشناسان تأکید می‌کنند هر گونه شکست در زمینه مراقبت‌های روانی و تربیتی برای کودک به معنای از دست دادن بهترین و مطمئن‌ترین فرصت‌ها در ارزیابی رفتار و ساخت وضعیت روانی

تحقیقات زیادی در زمینه تجربیات زندگی در جامعه کودکی انجام شده است تا مهمترین آن‌ها کشف شود، اما با توجه به تفاوت‌های فردی کودکان و به دلیل مسای نبودن تجربیات از نظر عمق، فاصله و پیشینه، این تحقیق نتوانسته مهم‌ترین آن‌ها را در زندگی کودکان مشخص کند. تنوع در بین کودکان و تفاوت امکان‌های بین یک کودک و دیگری، سنجیدن تأثیر هر تجربه یا رویداد در هر کودک را ضروری می‌کند.

اوست و در صورت وقوع، ترمیم آن غیرممکن است. **تجارب زندگی** - حوادثی که می‌تواند در تجربه کودکان رخ دهد بی‌پایان است، چه در خانواده و چه در اجتماع و مدرسه. تأثیر حوادث در روان کودکان نه تنها به ماهیت حادثه بستگی دارد، بلکه به سن وقوع آن، میزان عود آن و شرایطی که در آن رخ می‌دهد نیز بستگی دارد. شاید مهمترین چیزی که باید به آن توجه کنیم این است که نمی‌توانیم اهمیت هیج حادثه‌ای را در دوران کودکی فشار نمی‌آورده، بلکه با ابزارهای مناسب که در کودکی ظاهر می‌شود، در حالی که می‌بینیم برخی از والدین با فرزندان خود همکاری نمی‌کنند و هر اشتباهی را اصلاح می‌کنند، اما با شدت و تنبیه در اینجا کودک نمی‌داند چرا تنبیه شده است، بنابراین به طغیان گرایش می‌یابد.

روانشناسان تأکید می‌کنند هر گونه شکست در زمینه مراقبت‌های روانی و تربیتی برای کودک به معنای از دست دادن بهترین و مطمئن‌ترین فرصت‌ها در ارزیابی رفتار و ساخت وضعیت روانی

تحقیقات زیادی در زمینه تجربیات زندگی در جامعه کودکی انجام شده است تا مهمترین آن‌ها کشف شود، اما با توجه به تفاوت‌های فردی کودکان و به دلیل مسای نبودن تجربیات از نظر عمق، فاصله و پیشینه، این تحقیق نتوانسته مهم‌ترین آن‌ها را در زندگی کودکان مشخص کند. تنوع در بین کودکان و تفاوت امکان‌های بین یک کودک و دیگری، سنجیدن تأثیر هر تجربه یا رویداد در هر کودک را ضروری می‌کند.



دکه مطبوعات

فدرالی رئیس کل دادگستری از امور عالیاتی برای برکت پرونده های عالیاتی صنایع به هر هر کان

فدرالی رئیس کل دادگستری از امور عالیاتی صنایع به هر هر کان

اقتصاد کیش

نظارت بر مدیریت مجتمع های مسکونی کیش

آیا اخلاء قانونی وجود دارد؟

ایران

فهرست ترک فعل در صنعت نفت

پایه های اقتصادی

دست‌نویس

وقتی مهم‌ترین شما

احیای جاده ابریشم اینبار با قطر

همیشه پاری

اتوبوس های خواب برای بی خانمان ها

سال بحران های پاری

اعتنا

فرمان ایست به نقدینگی

برای موتوربان



گروه بهداشت و سلامت - متخصصان می‌گویند ارتباط مستقیمی میان استرس و مشکلات گوارشی در انسان وجود دارد. گوارش انسان سیستم عصبی روده دارای چنان اهمیتی است که به مغز دوم شهرت دارد. با این حال، سیستم عصبی روده به وسیله اعصاب به طور مستقیم از سوی مغز کنترل می‌شود. به همین دلیل هم مسائل اعصاب و روان بر گوارش

رژیم غذایی پر فیبر نرخ بقاء بیماران سرطانی را افزایش می‌دهد

نشان داده است که میکروبیوم روده می‌تواند بر واکنش بیماران سرطانی به بازدارنده‌های سیستم ایمنی تأثیر بگذارد. این داروها، مانند Keytruda و Opdivo، برای درمان چندین نوع سرطان استفاده می‌شوند. با آزاد کردن یک ترم خاص روی سلول‌های T سیستم ایمنی، آنها را برای یافتن و حمله به سلول‌های سرطانی آزاد می‌کنند. این مطالعه، تیم تحقیق ۱۲۸ بیمار مبتلا به ملانوما پیشرفته، کننده ترین شکل سرطان پوست را مورد مطالعه قرار داد. پرسنل‌های رژیم غذایی نشان داد که ۲۷ نفر از این بیماران فیبر کافی دریافت کرده بودند که حداقل ۲۰ گرم

بدین ترتیب که تومورهای آنها حداقل تا حدی پسرقت کرده بود ماه ثابت مانده بود. با این حال، چنین فایده‌ای در میان ۴۹ بیمار که گفته بودند از مکمل‌های پروبیوتیک استفاده می‌کردند، یافت نشد و بهترین میزان پاسخ یعنی ۸۲ درصد، در میان بیماران با فعالیت مشاهده شد که فیبر زیادی دریافت کرده بودند اما پروبیوتیک مصرف نکرده بودند.

انسان تأثیر می‌گذارد. برای مثال، بسیاری از بیماری‌های گوارشی مانند سندرم اختلال گوارشی، التهاب روده و بیماری کولیت به شدت تحت تأثیر استرس و اضطراب در فرد است. این ارتباط آنچنان عمیق است که تحقیقات نشان می‌دهد ۷۰ درصد افراد مبتلا به کولیت خود این نکته را درک می‌کنند که بیمارانشان تحت تأثیر استرس زندگی می‌شود. متخصصان می‌گویند حتی اگر استرس دلیل اولیه بروز بیماری نباشد، این موضوع می‌تواند مشکلات گوارشی را تشدید کند.

تحقیقات نشان می‌دهد برخی بیماری‌های گوارشی مانند سندرم روده تحریک پذیر ناشی از حساسیت به تأثیرات استرس در بدن بروز می‌کند. در این میان، مغز نیز نقش مهمی در چونگی احساس مشکلات گوارشی ایفا می‌کند. تحقیقات بر روی افراد مبتلا به سندرم روده تحریک پذیر نشان



کیش نوش

تولید و توزیع آب معدنی در سراسر جزیره، تحویل در محل

۴۴۴۷۳۴۲۲ - ۴۴۴۷۳۴۲۱